

بنیاد و ایرة

آخذشاسی

مسائل متحدہ پیشگی

شماره ثبت ۱۶
ردہ بندی
تاریخ ۱۲

محمد ہادی طلعتی

فهرست مطالب

۷ سخنی با خواننده
۹ مقدمه
۱۴ نکاتی دربارهٔ مآخذشناسی حاضر

بخش اول

۲۱ اسلام و طب
۲۴ پزشکی و احکام
۳۰ معالجه و درمان

بخش دوم

۴۳ کنترل جمعیت
۵۷ سقط جنین
۶۱ تلقیح
۷۰ تغییر جنسیت و تصرفات ژنتیکی

بخش سوم

۷۵	مرگ مغزی
۸۶	اجهاض (مرگ از روی ترحم، اتانازی)
۸۹	تشریح
۹۶	پیوند اعضا

بخش چهارم

۱۱۱	قانون و طب: مسائل حقوقی، جرایم و تخلفات پزشکی
۱۱۸	مسئولیت طبیب
۱۲۷	پزشکی قانونی

بخش پنجم

۱۳۳	اخلاق پزشکی
-----	-------------

بخش ششم

۱۷۳	بهداشت روانی در اسلام
۱۷۷	بیماری ایدز
۱۸۳	نمایه پدید آورندگان
۱۹۳	نمایه عناوین
۲۱۷	عناوین نشریات
۲۲۳	کتاب نامه

سخنی با خواننده

یکی از ویژگی‌های مهم مکتب تشیع، استفاده از عنصر اجتهاد در گستره‌ی نصوص دینی است. این ویژگی، سبب پویایی و تحرك هر چه بیش تر مکتب و نیز کسب توان مناسب در پاسخ‌گویی به موضوعات نوپیدا بوده و هست. تکامل و گسترش رشته‌های مختلف علوم اسلامی، از جمله دانش فقه، در پرتو همین عنصر اجتهاد و تلاش دانشمندان و فقیهان بزرگ و زمان‌شناس صورت پذیرفته است.

عصر حاضر به جهت ظهور عقاید و مکاتب مختلف بشری، تحولات چشم‌گیر علمی و صنعتی و نگاه نقادانه به دین و گسترش ارتباطات، مسؤولیت عالمان دینی را دو چندان کرده است. عالمان و فقیهان باید به نیکی چالش‌های نوین را دریابند، شیوه‌های استنباط را مهذب کنند، موضوعات جدید را پاسخ درخور دهند و میراث کهن فقه شیعه را به زبان روز و متناسب با فهم و انتظار انسان سرگشته و نقاد امروز بازسازی نمایند تا از ره‌گذر این تلاش، دین و فقه را در عرصه‌ی زندگی اجتماعی بشری زنده و بالنده نگه‌دارند و مسؤولیت دینی و تاریخی خویش را به بهترین وجه ایفا نمایند. انجام این وظیفه، نیازمند نگاه بیرونی به مجموعه فقه، آشنایی با شیوه‌های مشابه استنباط و بررسی دقیق علوم وابسته به فقه، نظیر اصول، رجال، درایه و ... می‌باشد و بدون تردید تلاشی به این وسعت نیازمند بسیج جمعی محققان زبده و زمان‌شناس است.

پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی هدف اساسی خویش را تحقق بخشیدن به این وظیفه بزرگ قرار داده است، و در این راستا تحقیقات متعددی را در زمینه های مختلف فقهی - حقوقی و دانش های وابسته به آن در دست انجام دارد.

یکی از راه های زمینه ساز جهت تعمیق هر چه بیش تر تحقیقات تهیه و تدوین مآخذشناسی های متناسب با موضوع های شایسته پژوهش است. در مواردی که موضوع های مورد نظر، مستحدث و نوپیدا باشد و در جوانب مختلف آن تحقیقات گسترده ای صورت نگرفته باشد تهیه چنین مآخذشناسی هایی ضروری تر است.

پژوهشکده فقه و حقوق بر این اساس یکی از گروه های کاری خود را به مآخذشناسی و معجم نگاری اختصاص داده است. متن حاضر در حد امکان مآخذهای فارسی و عربی مربوط به مسائل مستحدثه پزشکی را جمع آوری و با دسته بندی مناسبی عرضه کرده است.

ضمن تشکر از برادر گرامی جناب آقای محمد هادی طلعتی که این مجموعه را تهیه کرده اند امیدواریم این مآخذشناسی در جهت تعمیق هر چه بیش تر تحقیقات مربوطه مؤثر افتد.

پژوهشکده فقه و حقوق
مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی

مقدمه

علم فقه اسلامی، از نخستین دانش‌های پدید آمده در بستر تمدن و فرهنگ اسلامی است که در سایه تلاش رادمردان و اندیش‌مندان عرصه فقه و فقاہت به رشد و بالندگی کنونی دست یافته است. عالمان و فقیهان اسلامی، از آغاز شکل‌گیری فقه، با اندیشه جامعیت و فراشمولی شریعت اسلامی و توان آن در اداره زندگی انسان و رویارویی با رخ داده‌های نوین بشری؛ تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه تدوین فقه اسلامی و پویایی آن انجام داده‌اند. عالمان و اندیش‌مندانی که با ژرف‌نگری در شرایط و اوضاع حاکم بر نظام‌های اجتماعی، همواره در تکاپوی یافتن راه‌ها و دیدگاه‌های فقهی‌ای بوده‌اند که ضمن تطبیق با موازین و اصول شرعی، شرایط زمانی و مکانی و اوضاع حاکم بر نظام فرد و اجتماع نیز در آن لحاظ شده باشد.

این فقیهان که سنگربانان و پشتیبانان راستین حریم فقه و فقاہت‌اند، اندیشه‌ای جز رشد و تعالی کمالات معنوی انسان‌ها و متحقق شدن جامعه متمدن اسلامی نداشته‌اند. اما در کنار این مطلب، به این نکته نیز باید توجه داشت که شرایط و فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر دوران و عصری که عالمان دینی در آن می‌زیسته‌اند با یک‌دیگر متفاوت بوده، و شرایط خاص زمانی و مکانی، نقش ویژه‌ای در بروز یا افول نظریات آنان داشته است. بی‌تردید، در زمینه‌های مساعد و مطلوب، شکوفایی و بالندگی اندیشه‌های دینی و دیدگاه‌های فقهی، بسیار بیش‌تر بوده است.

امروزه در عصری زندگی می‌کنیم که در سایه تلاش‌ها و تحقیقات علمی، پیشرفت‌های

بزرگ و سازنده‌ای در گستره دانش و فرهنگ بشری پدید آمده و تمدن و حیات نوینی را برای انسان‌ها نوید می‌دهد. این پیشرفت‌ها و پیش‌بردهای علمی، مورد تقدیر جامعه انسانی بوده و خردمندان و اندیش‌مندان همواره به صاحبان آن علوم با دیده احترام و تکریم نگریسته‌اند. با این وجود، جای بسی تأسف است که در کنار چنین رویدادهای علمی، شاهد هجومه‌های فرهنگی بی‌شماری هستیم که با انگیزه‌های سودجویانه به مبارزه با اندیشه‌های دینی برخاسته و توان دین را در پاسخ‌گویی به نیازهای بشریت عصر حاضر، مورد تردید قرار می‌دهند. این هجومه‌ها آب زلال معرفت و دانش بشری را - که نباید هدفی جز خدمت به نوع بشر، آن هم برای اهداف متعالی معنوی داشته باشد - تیره و کدر می‌سازد و پرسش‌ها و تردیدهای فراوانی را نسبت به اصل نیاز به دین، به ذهن و جان آدمی روانه می‌سازد. بدیهی است که فرو نهادن و بی‌پاسخ گذاشتن این شبهه‌ها و پرسش‌ها، زمینه‌های رشد و گسترش چنین حرکت‌های ضددینی را بیش‌تر فراهم می‌کند.

در حوزه اندیشه و فرهنگ اسلامی، بی‌تردید این وظیفه مهم و خطیر بر عهده عالمان و فقیهان اسلامی است که با تلاش‌های علمی و خستگی‌ناپذیر خود به مقابله با این شبهه‌ها و پاسخ‌گویی بدان‌ها برخیزند. البته در حوزه فقه اسلامی، چنین تلاش‌ها و حرکت‌های علمی در ارتباط با مسائل فقهی وجود داشته و پیشینه آن به گذشته دور باز می‌گردد. اختصاص دروس عالی‌ه‌حوزوی به بررسی این گونه مسائل و باز کردن فصلی با عنوان «مسائل مستحدثه» در کنار دیگر عناوین فقهی در حوزه فقه شیعه؛ روی کرد نوینی است که همگام با پیشرفت‌های علمی در سطح جهان و پدید آمدن مسائل جدید، به وقوع پیوسته است. فقهای شیعه، پرسش‌های نوپدایی را که فراروی جوامع مسلمان قرار می‌گیرد، در مبحث «مسائل مستحدثه» مطرح کرده جهت پاسخ‌گویی به آن‌ها به کاوش می‌پردازند. این پرسش‌ها یا به طور کلی «مسائل مستحدثه»، پرسش‌هایی است که در زمان شارع مقدس و ائمه معصومین - علیهم السلام - یا در کتاب‌های فقهی گذشته، سابقه نداشته و در شرایط و اوضاع زمانی و مکانی جدید، مطرح شده‌اند.

بخش مهمی از این گونه مسائل که نقش مهمی در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته و در واقع با موضوع اصلی مجموعه حاضر مرتبط است، «مسائل مستحدثه پزشکی» است.

پیشرفت های بزرگ و شگرفی که به ویژه در سده اخیر در زمینه علوم پزشکی صورت گرفته، خدمات ارزنده و شایسته ای به جامعه انسانی تقدیم کرده است. اما طبیعی است که همانند هر پدیده نوظهور دیگر، در کنار این پیشرفت ها مسائل بی شماری در ابعاد حقوقی، اخلاقی، مذهبی، اجتماعی و ... پدید آمده و صاحبان اندیشه و متخصصان در این گونه امور را به اندیشه و پژوهش واداشته است.

بخشی از این مسائل مستحدثه پزشکی، مربوط به حوزه «فقه پژوهی» است که همگام با بروز این مسائل و مشکلات، تلاش های علمی شایسته ای از سوی آشنایان و آگاهان به مسائل فقهی انجام گرفته است. لکن با توجه به گستره روبه افزایش دانش پزشکی، میزان طرح و بررسی این گونه مباحث، به ویژه در حوزه فقه شیعی بسیار اندک است. دانش پزشکی هر روز گام جدیدی برداشته و ارتباطات زمینه نفوذ آن ها را در تمام جوامع فراهم می سازد و معمولاً جامعه بشری نیز از آن استقبال می کنند. ناهمگامی پژوهش های فقهی با این گونه مسائل در نهایت به پذیرش هر گونه شیوه علمی بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن، منتهی می شود.

به هر حال، اکنون پرسش های جدیدی در عرصه دانش پزشکی مطرح است که پاسخ های دقیق و روشنی را می طلبد. پاره ای تحقیقات در این زمینه صورت گرفته، لکن با توجه به حجم انبوه و دقیق بودن مسائل، این گونه پژوهش ها به لحاظ کمی و کیفی جواب گوی آن مسائل نیست. چنین کاستی ها و ناهماهنگی ها دغدغه بررسی و تأمل در این گونه مسائل را در قالب طرح های نوین و جامع افزون می سازد. لکن بدیهی است که انجام این مهم جز با آگاهی از دیگر اندیشه ها و شناخت کاستی ها و نقاط ضعف و قوت آثار و پژوهش های نگاشته شده میسر نیست. خوش بختانه چندی است که گام های مفیدی در این زمینه برداشته شده است. برگزاری سمینارهای مختلف، پژوهش ها و تک نگاری های متنوع در این زمینه جز این که نشان از اهمیت دادن به این موضوع دارد؛ نویدبخش حرکت های سازنده علمی اندیش مندان و مایه دلگرمی پژوهش گرانی است که وجه همت خود را بررسی، تدقیق و تعمیق چنین مباحثی قرار داده اند. مأخذشناسی حاضر که با انگیزه شناسایی و توصیف مهم ترین متون و پژوهش های نگاشته شده در زمینه مسائل پزشکی، به ویژه مسائل جدید علم پزشکی از نگاه فقه اسلامی، تدوین گردیده است، تلاشی است هر چند محدود در برآورده ساختن این مهم.

در این جا برای آشنایی بیش تر با مجموعه حاضر ذکر چند نکته ضروری است:

۱- پژوهندگان در زمینه مسائل پزشکی، به ویژه از دیدگاه فقهی، به خوبی به این نکته واقفند که بسیاری از مسائل مربوط به این رشته که اکنون در سطح محافل علمی مطرح است، بسیار جدید بوده و غالب آن ها در زمره مسائل مستحدثه قرار می گیرند. از این رو، گاه دشواری ها و مشکلات خاصی در بررسی مسائل مستحدثه پزشکی، به ویژه از جنبه موضوع شناسی وجود دارد. علاوه بر این که در برخی از این مسائل، هم در ناحیه موضوع و هم در ناحیه حکم - که در واقع دو رکن اساسی هر نظر فقهی هستند - مشکلات جدی و فراوان وجود دارد. بنابراین، برای یک پژوهش مفید و جامع، توجه به این گونه مشکلات، دقت و باریک بینی در نقاط ضعف و لاینحل، ضروری و الزامی است، و این کاستی و نقص مهمی است که متأسفانه در بسیاری از پژوهش های نگاشته شده در این زمینه به چشم می خورد. چرا که غالب این پژوهش ها، یا به سادگی از کنار این مسائل گذشته، یا با دقت و تعمقی که لازمه یک تحقیق مفید و جامع است، بدان پرداخته اند.

در یک نگاه کلی، این گونه آثار و پژوهش ها را می توان در دو دسته کلی جای داد:

دسته نخست این پژوهش ها، تنها از نگاه علم پزشکی صورت گرفته و بدون آن که پیش بردی از جنبه فقهی داشته باشد، تنها به ذکر برخی فتاوا که به ظاهر چاره و حل مشکلات بوده، بسنده شده و مسئله را پایان یافته تلقی کرده اند. در واقع تنها دغدغه محقق در این پژوهش ها یافتن فتوایی است تا مسئله مشکل فقهی نداشته باشد، در حالی که برخی از این فتاوا، فی حد نفسه دارای ابهام و پیچیدگی است.

دسته دیگر از این پژوهش ها که بیش تر در حوزه فقه، به انجام رسیده است، هر چند جنبه های فقهی مسئله در آن ها مورد بررسی قرار گرفته است، لکن در بسیاری موارد از دیگر زوایای بحث که ارتباطی تنگاتنگ با آن موضوع دارد، غفلت شده است. البته ما در مقام قدح و جرح این گونه نوشته ها و پژوهش ها نیستیم؛ زیرا توقع پژوهش و اندیشه فراتر از حوزه های علمی و تخصصی افراد، بسا بیهوده و کوتاه نگری است، لکن توجه به یک نکته اساسی که همانا بازنگری در شیوه پژوهشی با نزدیک ساختن دو قطب اندیشه؛ یعنی پزشکان و فقیهان، که خود زمینه ساز ره یابی به موضوع شناسی و حله

ضروری است.

به نظر می‌رسد که با اتخاذ این شیوه بتوان به طرحی هماهنگ و کارآمد که شناخت علمی و دقیق موضوعات احکام و در نتیجه آرا و نظریات فقهی مناسب و به دور از ابهام را در برداشته باشد، رهنمون شد. بنابراین، باید نقطه اتصال و حلقه مفقوده این دو حوزه اندیشه را پیدا کرد تا زمینه هم‌اندیشی و هماهنگی و در نتیجه رشد و بالندگی پژوهش‌ها فراهم آید.

مجموعه حاضر که روی سخن آن بیش‌تر با پژوهش‌گران در زمینه مسائل فقهی است، با همین انگیزه تدوین گردیده که بتواند تا حدی زمینه موضوع شناسی احکام و شیوه‌های پژوهشی را از زوایای مختلف بدست طالبان آن‌ها بدهد. این که تا چه اندازه به این هدف نزدیک شده و در کار خود موفق بوده ایم، بر عهده خوانندگان، صاحب نظران و نقادان محترمی است که این مجموعه را از نظر می‌گذرانند.

۲- نکته دومی که در این مقدمه باید بدان اشاره کرد، مسئله پراکندگی و حجم انبوه مسائل مستحدثه پزشکی است؛ مشکلی که تا حدی تنظیم، تبویب و فصل‌بندی این مسائل را دشوار می‌سازد. در یک تقسیم‌بندی، اگر موضوع و حکم را به عنوان دو رکن اساسی آرای فقهی قرار دهیم، می‌توان تقسیم‌بندی زیر را در مسائل مستحدثه پزشکی انجام داد:

الف- برخی از این مسائل به گونه‌ای است که نه در موضوع و نه در حکم با مشکلی روبه‌رو نیستند. در واقع شناخت موضوع بر عهده مکلف است و او به آسانی می‌تواند با رجوع به رساله‌های عملیه پاسخ خویش را دریافته و به حکم شرعی خود عمل کند.

ب- برخی از این مسائل به گونه‌ای است که از لحاظ حکمی مشکلی ندارند، اما شناخت موضوع آن‌ها به منظور تطبیق حکم فقهی، با مشکلات و دشواری‌هایی روبه‌رو است؛ مثلاً در بحث «مرگ مغزی» و احکام فقهی مترتب بر میت، مانند: ارث، زوجیت و ... مشکلی نیست، لکن مشکل، شناخت حقیقت موت و امارات دلالت‌کننده بر آن است؛ زیرا با شناخت موضوع می‌توان به احکام فقهی آن دست یافت؛ البته مسائل دیگری مانند تشریح و پیوند وجود دارد که آن‌ها نیز با مشکلات خاص خود روبه‌رو هستند.

ج- در برخی از این مسائل از لحاظ موضوع، مشکل چندانی وجود ندارد، اما از لحاظ حکم، با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شود، از جمله این موارد می‌توان به برخی موارد

سقط جنین اشاره کرد. در این مسئله شناخت جنین و تحقق آن؛ یعنی زمان صدق اطلاق موجود زنده بر جنین؛ به میزان شناخت حکم آن‌ها که همانا اجازه سقط در موارد ضروری و غیر ضروری است، دشوار نیست.

د- در برخی مسائل هم از جنبه موضوعی و هم از جنبه حکمی، مشکلات جدی وجود دارد؛ از باب مثال، می‌توان به برخی موارد تلقیح، به ویژه تلقیح دو بیگانه اشاره کرد. البته بیان این تقسیم‌بندی تنها به منظور آشنایی اجمالی با انواع مختلف مسائل پزشکی و نقش مهم موضوع شناسی در بررسی این گونه مسائل است. بنا بر این در مجموعه مآخذشناسی حاضر که هدف آن آشنایی با مآخذ و منابع مربوط به مسائل پزشکی است چنین تفکیکی صورت نگرفته است. تفکیک مسائل و فصل‌بندی این مجموعه، بیش‌تر به لحاظ موضوع کلی آن‌ها بوده است و مباحث موضوع شناسی و حکم شناسی نیز از یک دیگر تفکیک نشده‌اند.

نکاتی درباره مآخذشناسی حاضر

هدف نخست مجموعه حاضر که محدوده کتاب شناختی آن، مسائل پزشکی، به ویژه مسائل مستحدثه پزشکی است، آشنا ساختن بیش‌تر محققان و فقه پژوهان با آثار مکتوب نویسندگان و به ویژه آثار جدیدی است که در رابطه با مسائل پزشکی نگاشته شده است. بنا بر این از ذکر منابع کهن که مربوط به مسائل پزشکی است، صرف نظر شده است.

در این راستا، با توجه به دو مشرب و مسلک فکری مهم فقه اسلامی؛ یعنی فقه شیعی و فقه اهل سنت، حوزه شناسایی منابع و متون گردآوری شده در این مجموعه، به آثار نویسندگان در این دو حوزه فکری منحصر گردیده است.

هر چند سامان‌دهی مسائل گوناگون پزشکی با توجه به تنوع، گستردگی و زوایای مختلف مباحث آن‌ها، در قالب فصل‌ها و بخش‌های متعدد، تا حدی دشوار و سلیقه‌ای خواهد بود، اما تلاش بر این بوده که چپش قابل قبولی در این مجموعه ارائه شود. این مجموعه در شش بخش اصلی و چندین فصل به شرح زیر، سامان یافته است:

بخش اول: در این بخش که بیش‌تر بر مسائل کلی تکیه شده است، سه فصل جای داده شده است که عبارت‌اند از: اسلام و طب، پزشکی و احکام، معالجه و درمان.

بخش دوم: مسائلی که به نحوی با مسئله نسل از جنبه باروری و ناباروری مرتبط می باشد، مانند کنترل جمعیت، سقط جنین و تلقیح، که سه فصل اصلی این مجموعه است. تغییر جنسیت و تصرفات ژنتیکی فصل دیگری است که به این بخش افزوده شده است.

بخش سوم: فصل های مرگ مغزی، اجهاض (مرگ از روی ترحم)، تشریح و پیوند اعضا به دلیل ارتباط نزدیک آن ها با یک دیگر، در بخش سوم گنجانده شده اند.

بخش چهارم: در این بخش، مسائل حقوقی پزشکی گردآوری شده اند. قانون و طب، مسؤولیت طبیب و پزشکی قانونی، عناوین اصلی این بخش را تشکیل می دهند.

بخش پنجم: در این بخش منابع مربوط به بحث اخلاق پزشکی ذکر می شوند.

بخش ششم: این بخش به دو موضوع بهداشت روانی در اسلام و بیماری ایدز اختصاص یافته است.

تذکر این نکته لازم است که بخش های دوم و سوم و چهارم، بخش های اصلی این مجموعه است که مسائل مستحدثه پزشکی غالباً در این بخش ها مطرح شده است.

هر چند تلاش اولیه در این مجموعه بر مراجعه مستقیم به منابع بوده است، اما با توجه به دشواری دست یابی به تمامی متون فقهی اهل سنت، به ویژه پژوهشهای جدیدی که در قالب کتاب، مجله یا پایان نامه به طبع می رسد، در برخی موارد به ناچار به فهرست نویسی ها مراجعه کرده ایم. بدیهی است که این نوع نوشته ها توصیف نشده اند. البته برای سهولت امر و کاستن این مشکل، در پایان کتاب سعی کرده ایم که نشان یا آدرسی از محل انتشار مقاله ارائه دهیم تا جویندگان آن ها زمینه مساعدتری برای دست یابی به آن ها پیدا کنند.

از آن جا که مهم ترین محور مآخذشناسی حاضر، آثار نگاشته شده در زمینه مسائل مستحدثه پزشکی بوده است، تفحص و جست و جویی که در این بخش صورت گرفته بسیار بیش تر از بحث اخلاق پزشکی و مسائل خارج از بحث مسائل مستحدثه پزشکی بوده است.

هر چند بنای این مجموعه بر مآخذشناسی توصیفی است، اما متذکر می گردد که اگر در جایی توصیف به عمل نیامده، یا دست یابی به کتاب یا مقاله میسر نگردیده یا حجم آن ها بسیار کم بوده و یا به لحاظ محتوا مطالب چندانی در آن ها ذکر نشده است.

محدوده زبانی این مجموعه، فارسی و عربی است، اما با توجه به حجم اندک برخی از